

## آسیب‌شناسی اخلاق نظامیان

علی‌اصغر الهامی‌نیا

عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

### چکیده

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، برای حفاظت از انقلاب شکوهمند اسلامی تشکیل شده که محتوای آن معارف، قوانین و اخلاق اسلامی است. سپاه در صورتی می‌تواند از چنین انقلابی پاسداری کند که خود، آراسته به فضایل اخلاقی و پیراسته از رذایل اخلاقی باشد. برای حفظ هویت سپاه باید بر تقویت فضایل پای فشرد و رذایل را نیز رصد کرد تا به درون این ارگان انقلابی راه نیابد. مقاله حاضر درصدد شناساندن همین نقاط ضعف اخلاقی است که ممکن است متوجه سپاه و پاسداران باشد و در دو بخش فردی و سازمانی سازمان یافته است.

کلیدواژه‌ها: آسیب، آسیب‌شناسی، اخلاق، نظامیان.

### مقدمه

همانطور که از نام «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» پیداست، این مجموعه برای حفاظت و پاسداری از انقلابی تشکیل شده که براساس معارف، عقائد و احکام و اخلاق اسلامی پایه عرصه وجود نهاد و هدف آن نیز تبلیغ و ترویج و اجرای برنامه‌های اسلامی است و چنین هدفی هنگامی برآورده می‌شود که رهبران و مدیران انقلاب و حافظان و پاسداران آن، خود پایبند به احکام و اخلاق اسلامی باشند تا بتوانند دیگران را نیز بدان دعوت کنند.

بنابراین پاسداران انقلاب بایستی به طور همه جانبه خود را به فضایل اخلاقی آراسته و از همه رذایل اخلاقی پیراسته سازند تا واقعاً پاسدار انقلاب اسلامی باشند و هر اندازه در این مسیر حرکت کنند، به هدف مقدس خود نزدیکتر شده‌اند. همچنین پاسداران افزون بر فضایل

عمومی، باید به اخلاق ویژه نظامی توجه بیشتری داشته باشند. منظور از اخلاق ویژه نظامی، صفات و فضایی است که برای افراد نظامی ضروری تر و برای هویت نظامی‌گری و تشکیلات نظامی حیاتی تر است. به طور مثال «حفظ اسرار» خود و دیگران فضیلتی اخلاقی است و برای هر فرد و مجموعه سود مادی و معنوی نیز دارد ولی برای نظامیان تا آنجا مهم و ضروری است که گاه بود و نبود و پیروزی و شکست آنها بدان گره می‌خورد. بنابراین باید گفت «رازداری» از اخلاق ویژه نظامی است چنانکه شجاعت، نظم و انضباط، رعایت سلسله مراتب، استقامت، صبر، شهادت‌طلبی، مردانگی، وفاداری، عفت، صداقت و... نیز برای پاسداران انقلاب ضروری است. قرآن مجید برخی از اوصاف مجاهدان فی سبیل الله را چنین بازگو می‌کند:

الْمُتَّقُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ. (توبه: ۱۱۲)

توبه کنندگان، پرستشگران، سپاسگویان، سیاحت‌کنندگان، رکوع‌کنندگان، سجده‌آوران، آمران به معروف و ناهیان از منکر و حافظان حدود الهی [اند] و بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان! بدین ترتیب، افزون بر تقویت فضایل اخلاقی، به ویژه اخلاق نظامی، در مجموعه سپاه، باید مراقب رذایل اخلاقی به طور عموم و آسیب‌ها و آفاتی که اخلاق نظامی را نشانه می‌گیرد به طور خاص بود و آنها را رصد کرد و اجازه نداد به حریم مقدس این ارگان انقلابی راه یابند و چه بهتر که این رصد و مراقبت از مجموعه خود سپاه باشد چنانکه امیر مؤمنان فرمود:

اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ عَلَيْكُمْ رِصْدًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ وَ عِيُونَاً مِنْ جَوَارِحِكُمْ وَ حِفَاطَ صِدْقِي يَحْفَظُونَ أَعْمَالَكُمْ وَ عَدَدَ أَنْفُسِكُمْ...<sup>۱</sup>

ای بندگان خدا بدانید که مراقبانی از خود بر شما گماشته شده و دیدبانانی از اعضای پیکرتان ناظر شمایند و نیز بدانید حسابگران راستگو اعمال شما را ثبت می‌کنند و شماره نفسهایتان را نگه می‌دارند.

بدین منظور به بیان برخی از آسیب‌های احتمالی در دو بخش فردی و سازمانی می‌پردازیم.

## الف. فردی

۱. **تثاقل:** تثاقل به معنای بر جای نشستن و دیر جنبیدن در جنگ و جبهه و چسبیدن به زندگی و چرب و شیرین آن و بهانه‌تراشی برای نرفتن به جهاد است. این آسیب خطرناک مورد اعتراض قرآن قرار گرفته و به آنان چنین هشدار می‌دهد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتَقَلَبْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ. (توبه: ۳۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود: به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید بر زمین سنگینی می‌کنید؟ آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید با اینکه متاع دنیا در برابر آخرت، اندکی بیش نیست؟

تثاقل و سنگینی نیروهای رزم، یگان را زمینگیر می‌کند و در روحیه دیگر رزمندگان نیز تأثیر منفی می‌نهد و در نتیجه، دشمن با روحیه بهتری هجوم می‌آورد که البته جز ننگ و شکست نصیب این گروه نخواهد شد، چنانکه امیرمؤمنان (ع) در یکی از نامه‌های خود از این حقیقت چنین پرده برمی‌دارد:

آیا نمی‌بینید که محدوده حکومتتان کوچکتر شده و شهرهایتان به دست دشمن گشوده شده است؟ آنچه در تصرف شما بود آنان به چنگ آورده و به جنگ در شهرهایتان پرداخته‌اند! برای جهاد از خانه‌هایتان بیرون آید و به سوی دشمن رو آرید، خدایتان رحمت کند! به جنگ دشمنان خود بروید و تثاقل و سنگین‌باری نکنید، خود را بر زمین گران نسازید، بر جای ننشینید، در خانه‌هایتان نمانید و سستی نکنید که خوار و ذلیل خواهید شد و پست‌ترین نتیجه عایدتان خواهد گشت.<sup>۲</sup>

۲. گناه: ماهیت اصلی نیروهای رزم، جهاد در راه خداست، از این رو مجاهدان باید عقربه کردار خویش را به سوی قرب به خدا و کمال‌یابی و افزایش ایمان و عمل صالح تنظیم کنند و کمترین انحراف از صراط مستقیم الهی و ارتکاب کوچک‌ترین نافرمانی و گناه، به آن مقصد عالی و آرمان والا ضربه می‌زند، بنابراین گناه - خواه خرد یا کلان، فردی یا اجتماعی - برای نظامیان اسلامی، سم مهلک است و با هدف عالی جهاد فی سبیل الله - که همانا اجرای خواست خدا و احکام و قوانین دینی است - مغایرت دارد. آیت‌الله خامنه‌ای فرمانده معظم کل قوا می‌فرماید: «گناهان در زندگی انسان، علاوه بر این جنبه معنوی، عدم موفقیت‌هایی را نیز به بار می‌آورند، بسیاری از میدانهای تحریک بشری وجود دارد که انسان به خاطر گناهایی که از او سر زده است در آنها ناکام می‌شود. اینها البته توجیه علمی و فلسفی و روانی هم دارد؛ صرف تعبد یا بیان الفاظ نیست. چطور می‌شود که گناه، انسان را زمینگیر می‌کند؟ مثلاً در جنگ احد به خاطر کوتاهی و تقصیر جمعی از مسلمین، پیروزی اولیه تبدیل به شکست شد، یعنی مسلمین، اول پیروز شدند، ولی بعد کماندارانی که باید در شکاف کوه می‌نشستند و پشت جبهه را نفوذناپذیر می‌کردند، به طمع غنیمت، سنگر خودشان را رها کردند و به طرف میدان آمدند و دشمن هم از پشت، اینها را دور زد و با یک شیبخون حمله‌ای غافلگیرانه کرد و مسلمانان را تار و مار نمود. شکست احد از اینجا به وجود آمد. در سوره آل عمران می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا.....

[کسانی که در روز روبه رو شدن دو گروه با یکدیگر (در جنگ احد) فرار کردند، شیطان آنها را بر اثر برخی از گناهایی که مرتکب شده بودند به لغزش انداخت.]

«یعنی اینکه دیدید عده‌ای از شما در جنگ احد، پشت به دشمن کردند و تن به شکست دادند، مسأله اینها از قبل زمینه‌سازی شده بود، اینها اشکال درونی داشتند، شیطان اینها را به کمک کارهایی که قبلاً کرده بودند به لغزش وادار کرد، یعنی گناهان قبلی، اثرش را در جبهه ظاهر می‌کند.»<sup>۳</sup>

علامه طباطبایی در تفسر آیه بالا می‌نویسد: «گناهان، هر یک راه را برای گناهی دیگر باز نموده، ارتکاب یک گناه، انسان را به گناه دیگر سوق می‌دهد، زیرا گناه پله‌اش بر پیروی هوای نفس است و اگر هوای نفس به یک شیء متوجه شد، به نظیر و شبیه آن نیز متوجه خواهد شد... در هر صورت ظاهر آیه این است که پاره‌ای از گناهان که قبلاً مرتکب شده بودند این امکان را به شیطان داد که آنان را اغوا نماید و به فرار و پشت کردن به جنگ وادار سازد.»<sup>۴</sup>

۳. عَجَبٌ وَ غُرُورٌ: دیدگاه قرآن پیرامون پیروزی و شکست بر محور توحید دور می‌زند به این معنا که هرگونه پیروزی به خواست و اراده الهی بستگی دارد و مجاهدان باید با اتکال به قدرت لایزال الهی به جهاد بپردازند تا پیروز شوند؛

... وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. (انفال: ۱۰)

پیروزی جز از طرف خدا نیست که خداوند نفوذناپذیر و حکیم است.

اما اگر خودپسندی و غرور جای ایمان و توکل به خدا را بگیرد نتیجه عکس می‌دهد و شکست و اضمحلال به جای پیروزی می‌نشیند؛

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كُرُوفُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شِيبًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَابْتِئْتُم مُّذِيرِينَ. (توبه: ۲۵)

خداوند شما را در جاهای زیادی یاری کرد مانند روز (جنگ) صفین؛ در آن زمان که فزونی جمعیتتان شما را مغرور ساخت ولی هیچ به دردتان نخورد و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شد، سپس پشت به دشمن کرده فرار کردید.

رسول خدا(ص) پس از فتح مکه با ۱۲ هزار رزمنده عازم نبرد با طایفه «هوازن» در منطقه «حنین» شدند و در مرحله نخست عملیات، شکست سختی نصیب جبهه اسلام شد و بیشتر رزمندگان، فرار را بر قرار ترجیح دادند تا اینکه با تدبیر و فرماندهی پیامبر(ص) دوباره گرد آمدند و بر دشمن یورش بردند و با کشتن تعدادی، برخی دیگر را همراه غنائم فراوانی به اسارت گرفتند و به پیروزی کامل دست یافتند.<sup>۵</sup>

همانطور که از مفهوم آیه برداشت می‌شود، شکست نخستین مسلمانان بر اثر غرور و خودپسندی و اتکای به انبوه نیروهای رزم بوده و آنان از عامل اصلی پیروزی - که اراده و قدرت

خداست - غافل شدند ولی پس از شکست و تحمل گوشمالی به خود آمدند و با اجرای فرمان نماینده خدا یعنی پیامبر اکرم(ص) اشتباه خویش را جبران کردند و خداوند نیز پیروزی را نصیب آنان کرد.

۴. ترس و بزدلی: بدون تردید، دلاوری و شجاعت از خصلت‌های ضروری نظامیان است. امیر مؤمنان(ع)، هنگامی که در جنگ جمل، پرچم را به دست فرزندش - محمد حنفیه - داد به او فرمود:

تَرَوُلُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُلُّ عَضَىٰ عَلَىٰ نَاجِيكَ، أَعِيرَ اللَّهُ جُنُحَتَكَ تَزِي الْأَرْضِ قَدَمَكَ، إِنْ مِ بِصَرَكَ  
أَقْصَى الْقَوْمِ وَ غَضُّ بِصَرَكَ.<sup>۶</sup>

اگر کوه‌ها هم از جا کنده شوند، تو تکان نخور، دندان‌هایت را بر هم بفشار، سرت را به خدا بسیار، قدم‌هایت را بر زمین میخکوب کن، انتهای دشمن را مد نظر بگیر و [از آنچه سبب ترس می‌شود] دیده فروگیر.

آنگاه سه بار به محمد دستور حمله داد ولی او جرأت نکرد به دشمن یورش ببرد، امام با یک حرکت سریع، پرچم را از او گرفت و رجزخوان به قلب دشمن زد و آنقدر ضربه بر آنها وارد ساخت که شمشیرش خمیده گشت.<sup>۷</sup>

این دلیری و چالاکی در تقویت روحیه نیروهای خودی و تضعیف روحیه دشمن، بسیار کارساز و اثرگذار است، اما اگر برعکس شد و فرمانده یا نیروی خط شکن گرفتار ترس شدند، این آسیب‌ها به دیگر نیروها نیز سرایت می‌کند و یگان را در برابر دشمن ناکارآمد می‌نماید. قرآن مجید، روان بیمار این گروه را چنین واکاوی می‌کند:

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ... (نساء: ۷۷)

آیا ندیدی کسانی را که به آنان گفته شد: فعلاً دست از جنگ بردارید و نماز را بر پا دارید و زکات بدهید. اما همین که موظف شدند کارزار کنند بناگاه گروهی از آنان چنان از دشمن ترسیدند که گویا از خدا می‌ترسند بلکه ترسی سخت‌تر، و گفتند پروردگارا چرا کارزار را بر ما لازم کردی؟ چرا ما را تا مدتی کوتاه مهلت ندادی؟

در شأن نزول این آیات نوشته‌اند: عبدالرحمن بن عوف به اتفاق چند تن از مسلمانان نزد رسول خدا(ص) آمدند و عرضه داشتند: ما پس از قبول اسلام در برابر کفار خوار شدیم، اجازه دهید با آنان بجنگیم! رسول خدا(ص) در پاسخ آنان فرمود: فعلاً اذن جهاد نداریم. اما همین

که این افراد به مدینه مهاجرت کردند و شرایط عوض شد و اجازه جهاد صادر شد، همانان از اطاعت خدا و رفتن به جهاد سرباز زدند و حتی به خدا و پیامبر اعتراض کردند که چرا در این عمر کوتاه، جنگ و جهاد را بر آنان واجب کرده است؟!<sup>۸</sup>

۵. تن پروری: نظامی باید چست و چالاک و ورزیده با اندامی برازنده و قوی باشد همان طور که امیر مؤمنان (ع) در دعای کمیل از خدا چنین می‌خواهد: «قَوِّ عَلَيَّ خِدْمَتَكَ جَوَارِحِي، خدایا! اندامم را بر خدمت تقویت کن!»

اما اگر نیروی رزمنده به جای ورزیدگی به تن آسایی روی آورد، آسیب جدی او را تهدید می‌کند. قرآن از این موضوع نیز چنین یاد می‌کند:

وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ۝ فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَتَكَبَّرُوا  
كِبِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. (نوبه: ۸۱-۸۲)

و گفتند در این گرما (به سوی میدان جنگ) حرکت نکنید، بگو: آتش دوزخ که داغ‌تر است اگر فهم دارند. پس باید به کيفر کارهایی که انجام داده‌اند، کمتر بخندند و بیشتر بگریند.

۶. هواپرستی: رسول خدا (ص) در هشدار فرمود:

إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْمَوِيَّ وَ طَوْلُ الْأَمَلِ؛ أَمَّا الْمَوِيَّ فَإِنَّهُ يَصُدُّعِنِ الْحَقَّ وَ أَمَّا طَوْلُ  
الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَخْرَةَ.<sup>۹</sup>

از دو چیز بیشتر بر امتم بیم دارم؛ هواپرستی و درازی آرزو؛ زیرا هواپرستی آنان را از حق بازمی‌دارد و درازی آرزو، آخرت را از یادشان می‌برد.

هواپرستی و ترجیح نفس اماره بر عقل و شرع، آسیبی است که همه اقشار جامعه از جمله نظامیان را تهدید می‌کند. رهبر فرزانه انقلاب در توضیح حدیث بالا می‌فرماید:

هوای نفس، خصوصیتش این است که شما را از سبیل الله - که جهاد در سبیل الله لازم است - گمراه می‌کند... طول امل، یعنی آرزوهای دور و دراز شخصی... یعنی این آرزوهایی که یکی پس از دیگری تمام نشدنی است؛ جلوی چشم انسان صف می‌کشند، برای انسان هدف درست می‌کنند و هدف‌های حقیر در نظر انسان عمده می‌شود، خاصیت این هدفها این است که «ینسی الاخرة» است، آخرت را از یاد انسان می‌برد، انسان دائماً مشغول این هدف‌های حقیر است، برای انسان وقتی باقی نمی‌ماند، دل انسان را می‌میراند.<sup>۱۰</sup>

وقتی هواپرستی جای خداپرستی و آرزوهای دراز جای آرمان‌های والای مجاهد فی سبیل الله را بگیرد، او را از درون تهی کرده، ماهیت و شخصیتش را تغییر می‌دهد. فرمانده معظم کل قوا در دیدار با انبوهی از پاسداران، راه پیشگیری از این آسیب را چنین گوشزد می‌کند:

آنچه که آسیب‌پذیری را در این زمینه کم می‌کند، همان مسائل معنوی و اخلاقی و دعا و ذکر و توجه و تهذیب نفس و خودسازی (و مخالفت) با هواهای خود و مبارزه کردن با اخلاق فاسد در خود است.<sup>۱۱</sup>

۷. غفلت: از صفات بسیار زیبا و تأثیرگذار بر مجاهدان راه خدا ذکر و یاد خداست و قرآن مجید آنان را چنین سفارش کرده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِتْنَةً فَأْتِبُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (انفال: ۴۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که (در نبرد) با گروهی روبه‌رو شدید، ثابت قدم باشید و خدا را فراوان یاد کنید تا رستگار شوید.

نقطه مقابل «ذکر»، «غفلت» از یاد خدا و فرمان و خواست اوست و همان‌طور که اثر ذکر و پایمردی، فلاح و پیروزی است، فرجام غفلت و سستی، شکست و درماندگی است. قرآن مجید در یک تحلیل واقعی و روانکاوانه می‌فرماید:

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ. (حشر: ۱۹)

و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به «خودفراموشی» گرفتار کرد، آنها فاسقانند.

گسستن از خدا به منزله گسست شیرازه زندگی و نابودی آن است؛ خواه انسان در میادین اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باشد یا در میدان نبرد و اصولاً راز بقا یا فناى تمدن‌ها و امپراطوری‌ها در همین نکته نهفته است که هر چه با نام و یاد خدا همراه شود ماندنی و پایدار است و آنچه با نام و یاد او فاصله داشته باشد به طور قطع آسیب‌پذیر و نابودشدنی است. امام راحل (ره) در این باره چنین اندرزمان می‌داد:

توجه به معنویت و تکلیف الهی و یاد خداوند باعث می‌شود که این وحدت، محفوظ و این برادری برقرار ماند. خوف آن است که اسلحه در دست شما جوانان عزیز موجب غرور و سرکشی شود و آن تحول روحانی عظیم که در شما پیدا شده است از دستتان برود و شیطان نفس اماره شما را به دام کشد و با سوء رفتار با برادران خود، صدق و صفا رخت بربندد و به جای آن کدورت و جفا جایگزین شود و آن روز فاجعه‌ای است برای اسلام و مصیبت دردناکی است برای شما و یارانتان.<sup>۱۲</sup> و این فاجعه و مصیبت بر اثر غفلت از یاد خداست.

## ب. سازمانی

مستولان سپاه موظفند برای پویایی و توانایی سازمان سپاه کوشا باشند، چنان که وظیفه دارند این مجموعه ارزشمند را از هرگونه آسیبی مصونیت بخشند؛ از جمله:

۱. تفرقه: وحدت تشکیلاتی و رعایت سلسله مراتب فرماندهی، اسکلت اصلی سپاه را تشکیل می‌دهد و هرگز نباید خدشه‌دار شود. امیر مؤمنان (ع) در مورد منزلت و جایگاه حساس فرماندهی می‌فرماید:

وَمَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النِّظَامِ مِنَ الْحَرَزِ يَجْمَعُهُ وَ يَضُمُّهُ فَإِنْ انْقَطَعَ النِّظَامُ تَفَرَّقَ الْحَرَزُ وَ ذَهَبَ قَوْمٌ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحِذَائِهِ أَبَدًا.<sup>۱۳</sup>

جایگاه مسئول، به منزله نخ (تسبیح) است که مهره‌ها را نظام می‌بخشد و گرد آورده به یکدیگر ارتباط می‌دهد، اگر آن نخ بگسلد، مهره‌ها پراکنده می‌شوند و هرگز توان آنها را جمع‌آوری کرد. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید:

اگر چنانچه یک قوای مسلحه‌ای بی‌انضباط باشد یعنی اگر چنانچه فرمانده حکم کرد، اجرا نکند... اگر این طور باشد انسجام از بین می‌رود.<sup>۱۴</sup>

نظم داشته باشید، هر اجتماعی با انتظامات می‌تواند رشد بکند. مثلاً اگر بنا باشد که نظامی‌ها آن وضع نظامشان از دست برود نمی‌توانند کاری انجام دهند اگر پایین دست‌ها از آن بالا دست‌ها اطاعت نکنند، آشفته می‌شود، انسجام پیدا نمی‌کند، اگر بنا باشد که مثلاً پاسدارها برای خودشان یک سرپرستی که از آن اطاعت بکنند نباشد، اطاعت نکنند و یا از مرکزی که باید اطاعت کنند اطاعت نکنند و همین‌طور خودشان هر کاری دلشان می‌خواهد بکنند، این تفرقه حاصل می‌شود، این همان است که پاسدارها و هر قوای اجتماعی را به تفرقه می‌کشد... تفرقه که حاصل شد نمی‌تواند کار انجام دهند.<sup>۱۵</sup>

رهبر فرزانه انقلاب نیز در مراسم بیعت فرماندهان و مسئولان سپاه با معظم له فرمودند: باید به معنای حقیقی کلمه، سپاه را تقویت کرد، این تکلیفی است که هم برگردن شما و هم برعهده من است، به بعد معنوی، یعنی روحیه و فکر و اعتقاد و اخلاص و همان چیزهایی که سپاه را از بقیه نیروهای مسلح متمایز می‌کند و اگر آنها را از او بگیریم، معنایش این است که سپاه را نداریم، باید توجه کرد. همچنین سازماندهی اداری و نظامی و سلسله مراتب فرماندهی و استحکام مدیریت و توانایی‌های علمی و رزمی و ابزار و سایر چیزهایی را که لازم است، باید جدی گرفت.<sup>۱۶</sup>

۲. تنازع: کشمکش و نزاع میان فرمانده و نیروها و یا میان نیروها با یکدیگر بسیار خطرناک و شکننده است. قرآن مجید نیز به طور صریح از آن نهی فرموده است:

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا عَوَاقِفَهُمْ سَلُوا وَتَذَهَبَ رِيحُكُمْ... (انفال: ۴۶)

و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود.



هزار افسوس که چنین پدیده شومی در جنگ صفین رخ نمود و شایسته ترین فرمانده تاریخ بشر را زمینگیر کرد؛ وقتی معاویه با نیرنگ، قرآن‌ها را بر سر نیزه کرد، عده فراوانی از یاران امیر مؤمنان (ع) به سرکردگی «اشعث بن قیس» فریاد صلح و سازش سر دادند و با کسانی که به پیروی از امام به ادامه جنگ نظر داشتند، درگیری لفظی پیدا کردند، در آن اثنا امیرمؤمنان (ع) برخاست و فرمود:

من دوست داشتم در کنار شما باشم تا این کار فرجام یابد تا اینکه جنگ بخشی از مردان شما را در ربود و پاره‌ای را باقی نهاد. اما از دشمن، همه مردانشان را گرفت و چیزی باقی نگذاشت و آنان، خسارت و گزند بیشتری دیده‌اند. هان، به راستی من دیروز، امیر شما بودم ولی اینک، فرمانبر گشته‌ام، من افراد را نهی می‌کردم و حال، آنان مرا نهی می‌کنند، مثل اینکه شما زندگی را خوش می‌دارید و من یارای آن ندارم به کاری که خوشایندتان نیست و ادارتان سازم!<sup>۱۷</sup>

شبیه این رخداد برای امام حسن (ع) نیز روی داد. وقتی پیشنهاد صلح از سوی معاویه مطرح شد، امام ضمن خطاب‌های تحلیلی به یارانش فرمود: «آگاه باشید معاویه ما را به کاری فراخوانده که در آن، نه سربلندی هست و نه انصاف، اگر داوطلب مرگید، سخن او را به خودش بازگردانیم و با زبان شمشیر، او را به محاکمه خدایی بکشیم و اگر خواستار زندگی می‌باشید؛ پیشنهاد او را بپذیریم و خشنودی شما را جلب کنیم؟» مردم از هر سو فریاد برآوردند: مهلت، مهلت، صلح را امضاکن!<sup>۱۸</sup>

۳. خیانت: بیعت با فرماندهی کل قوا و رهبری، به منزله بیعت با خداست چراکه مؤمنان و مجاهدان راه خدا اصولاً جز برای خدا و در راه خدا نباید پیکار کنند، بنابراین مجاهدان حق نقض بیعت و عقبگرد را ندارند و کمترین مسامحه در پیشبرد هدفهای سازمان خیانت محسوب می‌شود:

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ. (فتح: ۱۰)

در حقیقت، کسانی که با تو بیعت می‌کنند، همانا با خدا بیعت می‌کنند، دست خدا بالای دست آنهاست.

و در سوره انفال پس از طرح موضوعاتی پیرامون جبهه و جنگ، چنین هشدار می‌دهد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ. (انفال: ۲۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر خیانت نکنید و نیز در امانت‌های خود خیانت نورزید و خود می‌دانید.

عَلَّامه طباطبایی در تفسیر این آیه، ضمن شرح انواع امانت‌ها می‌نویسد:

«و بعضی از امانت‌ها آن امانت‌هایی است که خدا و رسول و خود مؤمنان در آن شریکند و آن عبارت است از اموری که خداوند به آنها امر می‌کند و رسول خدا امر خداوند را اجرا می‌نماید و مردم از اجرای آن سود برده، اجتماعشان نیرومند می‌گردد، مانند دستورات سیاسی و اوامر مربوط به جهاد و اسرار جنگی... و مؤمنی که به چنین خیانتی دست می‌زند علاوه بر اینکه می‌داند به خدا و رسول خیانت کرده، می‌داند که به خود و سایر برادران ایمانی‌اش نیز خیانت کرده است.»<sup>۱۹</sup>

عبیدالله بن عباس - پسر عم پیامبر - از سوی امام مجتبی (ع) به فرماندهی لشکر ۱۲ هزار نفری منصوب شد و فرمان یافت به سوی لشکر شام حرکت کند. او در اردوگاه «مسکن» در برابر پیشنهاد یک میلیون درهمی معاویه، به امام حسن (ع) و جبهه حق خیانت کرد و شبانه به سوی معاویه رفت. فرار عبیدالله فضای «مسکن» را به بددلی همه‌گیری آلوده ساخت و دیری نپایید که این حالت به «مداین» (اردوگاه دیگر لشکریان امام مجتبی (ع) سرایت کرد و کم‌کم مصیبتی کمر شکن پدید آمد.<sup>۲۰</sup>

در غزوه بنی قریظه، شخصی به نام «ابولبابه» از سوی پیامبر (ص) به سوی یهودیان رفت تا در مورد اسرا گفتگو کند. او وقتی گریه و بی‌تابی زنان و کودکان آنان را مشاهده کرد، تحت تأثیر قرار گرفت و با اشاره به گلوی خود به آنان فهماند که مرگ در انتظارشان است. ولی بی‌درنگ به خود آمد که به اسلام و پیامبر (ص) خیانت ورزیده، از این رو نزد پیامبر بازنگشت و به مسجد رفت و خود را به ستونی بست و با توبه و استغفار به درگاه خدا، پشیمانی از خیانتش را ابراز نمود و خداوند نیز توبه او را پذیرفت و از سوی پیامبر مورد عفو قرار گرفت.<sup>۲۱</sup>

۴. ارجاف: مصدر افعال از ریشه «رجف» به معنای اضطراب شدید است و درباره لرزش شدید زمین و کوه بر اثر زلزله به کار می‌رود و ارجاف به معنای ایجاد رجفه و اضطراب فراوان با کردار یا گفتار در میان جمع است.<sup>۲۲</sup> و «مُرْجَفُونَ» کسانی هستند که با شایعه‌پراکنی موجی از بی‌ثباتی و اضطراب را در میان نظامیان ایجاد می‌کنند و از توان نظامی و شادابی و چالاکی آنان می‌کاهند. نام مرجفون در آیه ۶۰ سوره احزاب آمده و آنان مورد تهدید و لعنت خدا قرار گرفته‌اند و وصفشان نیز در آیات ۴۶ - ۵۴ سوره توبه بیان شده است و خداوند نسبت به شایعه‌پراکنی و کارشکنی آنها می‌فرماید:

لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا تُضْعِفُوا خِلَاكَكُمْ يَنْفُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَاعُونَ لَهُمْ  
وَأَلَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ. (توبه: ۴۷)

اگر آنها همراه شما (به سوی میدان جهاد) خارج شوند، جز اضطراب و تردید، چیزی بر شما نمی‌افزایند و با سرعت در میان شما به فتنه‌انگیزی می‌پردازند و در میان شما کسانی هستند که به سخنان آنها گوش فرامی‌دهند و خداوند ستمگران را می‌شناسد.

گرچه با وسایل امروزی «ارجاف» از راه‌های گوناگونی قابل اجراست ولی از آیه برداشت می‌شود که «مرجفون» نیروهای خودی و سست‌عنصری هستند که افزون بر تزلزل فکری و جسمی خود، تلاش می‌کنند سایر نیروها را نیز دچار تزلزل و سستی کنند.

۵. جاسوسی: سرسپردگی به دشمن و تحویل اطلاعات نیروهای خودی به بیگانه نیز از آسیب‌های جدی نیروهای نظامی است که از سستی عقیده، بیماری دل و کاستی یقین به خدا و رستاخیز سرچشمه می‌گیرد و از گناهان بسیار زشت و نابخشودنی است. این خصلت شیطانی در طول تاریخ، ضربه‌های جبران‌ناپذیری به نیروهای خودی زده و گاه سرنوشت جنگ را به سود دشمن تغییر داده است.

۶. غفلت از منزلت سپاه: جهاد در راه خدا و پاسداری از انقلاب پرشکوه اسلامی، توفیقی الهی و منزلتی بس والا است که نصیب سپاه شده و چنین موقعیت و افتخار، کمتر برای تشکیلات دیگری دست می‌دهد. سپاه در میان دوستان انقلاب محبوبیت بی‌نظیری یافته و رشادت و صداقت و وفاداری خود را به ملت و دولت و رهبری اثبات کرده است. همچنین صلابت، ابهت، پایداری و جانفشانی آن برای دشمنان نظام و انقلاب به اثبات رسیده است. غفلت از این موقعیت حساس، آسیب خطرناکی است که نباید اجازه داد به سپاه راه یابد. امام راحل (ره) فرمود:

از این منصب بزرگ - که منصب انبیای عظام و اولیای خداوند تعالی است - به خوبی حفاظت کنید. نکنند خدای نخواستہ کاری کنید که مقام پاسداری لکه‌دار شود و مبادا در لباس پاسداری از شما عملی صادر شود که موجب سرشکستگی اهلام باشد و خدای نخواستہ گفته شود پاسداران اسلام چون مأموران سازمان<sup>۲۳</sup> هستند. اکیداً از شما جوانان عزیز خواستارم که عناصر ناپاک را از خود دور کنید و عمل خلاف یک نفر ممکن است گروهی را بدنام کند.<sup>۲۴</sup>

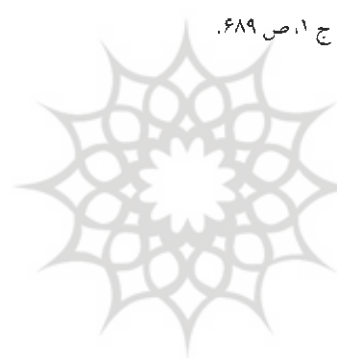
حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای نیز در این باره می‌فرماید:

مشی سپاه باید به گونه‌ای باشد که در چشم مردم هرچه عزیزتر و شیرین‌تر جلوه کند، چون نقشی که سپاه دارد جز با اتکای به مردم عملی نیست، اتکای به مردم هنگامی میسور است که محبت مردم و اعتقاد آنان به سپاه محفوظ باشد.<sup>۲۵</sup>

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از جمله مراکزی است که رابطه و پیوستگی آن با مردم کاملاً مشهود است و این راز سپاه است. اگر سپاه این پیوستگی را از دست بدهد، به رکود و سستی کشیده می‌شود، علت این تحرک و خودجوشی که امروز ما در سپاه شاهد آنیم ناشی از اتصال و ارتباط و آمیختگی سپاه با مردم است و باید روز به روز در بسط این ارتباط کوشید.<sup>۲۶</sup>

### پی‌نوشتها:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷.
۲. همان، نامه ۶۲.
۳. خطبه‌های نماز جمعه، تاریخ ۲۸ / ۱۰ / ۷۵.
۴. ترجمه المیزان، ج ۷، ص ۸۸.
۵. بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۴۶.
۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۱.
۷. سفینه البحار، شیخ عباس قمی (دو جلدی)، ج ۱، ص ۶۸۹.
۸. ترجمه المیزان، ج ۵، ص ۲۰ - ۲۱.
۹. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۷۵.
۱۰. مورخه ۱۲ / ۹ / ۷۹.
۱۱. سخنرانی در روز پاسدار (۱۳ / ۹ / ۷۶).
۱۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۹۳.
۱۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶.
۱۴. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۵۹.
۱۵. همان، ج ۶، ص ۲۶۵.
۱۶. ۶۸ / ۴ / ۱۹.
۱۷. وقعه صفین، نصر بن مزاحم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ص ۴۸۴.
۱۸. صلح امام حسن (ع)، ترجمه آیه الله خامنه‌ای، ص ۳۰۲.
۱۹. ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۶۸.
۲۰. صلح امام حسن، ص ۱۹۲.
۲۱. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۷۴ - ۲۷۵.
۲۲. المفردات، راغب اصفهانی، واژه رجف.
۲۳. منظور سازمان امنیت کشور (ساواک) در زمان شاه است.
۲۴. صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۰۲ - ۲۰۳.
۲۵. پیام انقلاب، شماره ۱۱۰، ص ۲۶.
۲۶. ۶۴ / ۱۱ / ۲۶.



شورشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال بین‌رشته‌ای علوم انسانی